

[A Persian translation of the message of the Universal House of Justice
dated 12 December 2011 to all National Spiritual Assemblies]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به محافل روحانی ملی
(از: مرکز جهانی بهائی)

۱۲ دسامبر ۲۰۱۱

محافل روحانی ملی در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

جوامع بهائی در سراسر عالم با توجه تام مشغول اجرای نقشه پنج‌ساله هستند. اکنون پس از گذشت چند ماه از آغاز آن، نشانه‌ها حاکی از آنست که ثمره مطالعه هدايات اخير و نتیجه گفتگوها در باره ماهیت و میزان قابلیت که تا به حال به وجود آمده، ایجاد وحدت در عمل و اقدامات متمرکز در سطح مردمی بوده است. در چند صد محدوده جدید حرکت‌های اولیه یک برنامه ترویج و تحکیم مستمر را عمدتاً از طریق مجهودات مهاجرین داخلی می‌توان مشاهده نمود. در چند صد محدوده دیگر که در پیوستار رشد جلوتر هستند الگویی از فعالیت‌های فشرده در حال پای گرفتن است. احبای عزیز ساکن محدوده‌های جغرافیایی که در صف اول یادگیری هستند، در پویایی و تحرکی که از ویژگی‌های جوامع نسبتاً بزرگ و در حال گسترش سریع است مهارت می‌یابند.

آنچه در این رابطه موجب خرسندی ویژه این جمع می‌باشد مشاهده میزان مجهوداتی است که در تمام کشورها به منظور افزایش تحرک فرایند مؤسسه آموزشی به عمل می‌آید، افزایشی که برای مشارکت فعالانه تعداد فزاینده‌ای از نفوس در اقدامات لازم برای تحقق بخشیدن به یک نظم نوین جهانی بسیار ضروری است. عملکرد هیئت مؤسسه آموزشی، کارکرد هماهنگ‌کنندگان در سطوح مختلف، قابلیت‌های احبایی که به عنوان راهنمایان حلقه‌های مطالعه و مشوقین گروه‌های نوجوانان و معلمان کلاس‌های کودکان خدمت می‌کنند، و ایجاد فضایی که در عین حال هم باعث مشارکت عمومی و هم مساعدت متقابل می‌گردد — همگی اموری است که نقش محوری آنها در تحقق رسالت الهی جامعه در هیچ جا بر احباً پوشیده نیست. در این راستا آنچه به خصوص مایه دل‌گرمی است تجهیز گسترده منابع برای برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان می‌باشد. هم‌چنین با تهیه مواد درسی تکمیلی از طرف مؤسسه، ذوق و شوق مؤسسات آموزشی برای اجرای وظیفه خطیر تعلیم معلمان کلاس‌های متوالی کودکان موجب امیدواری است. بنا بر این، وقت آن رسیده است که هدايات بیشتری در باره دوره‌های متسلسل اصلی و دوره‌های منشعب از آن به محافل روحانی ملی و مؤسسات آموزشی ارائه دهیم.

مسیر خدمت

چند سال پیش، به منظور کمک به احبّا در تفکر راجع به فرایند رشد در سطح محدوده جغرافیایی، مفهوم دو حرکت مکمل را بیان نمودیم. یکی از این دو حرکت گذراندن دوره‌های مؤسسه آموزشی به طور مداوم توسط افرادی است که تعدادشان مرتباً در حال گسترش می‌باشد. حرکت دیگر پیشرفت محدوده جغرافیایی است که از طریق قابلیت جمعی برای به ظهور رساندن الگویی از زندگی منطبق با تعالیم امر مبارک مشاهده می‌شود. حرکت اول نه تنها به حرکت دوم تحرک می‌بخشد بلکه استمرارش نیز به آن وابسته است. با توجه به شواهد فزاینده اثرات مثبت موادّ درسی مؤسسه روحی بر این دو حرکت مکمل بود که شش سال پیش استفاده از آن موادّ را در سراسر عالم توصیه نمودیم. در آن زمان از اصول تعلیم و تربیتی که این موادّ بر اساس آن تهیه شده سخنی خاصّ به میان نیاوردیم. با این حال باید برای احبّا روشن باشد که این موادّ درسی دارای ویژگی‌های مطلوبی است که بعضی از آنها به نحوی کلی در پیام‌های این جمع راجع به سلسله نقشه‌های جهانی کنونی توصیف گردیده است. اصلی که این موادّ درسی بر اساس آن سازمان یافته از اهمّیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد: پرورش قابلیت برای خدمت به امر مبارک و به نوع انسان در فرایندی که به پیمودن یک مسیر خدمت تشبیه شده است. این مفهوم ذهنی هم به محتوا و هم به ساختار موادّ درسی مزبور شکل می‌دهد.

دوره‌های متسلسل اصلی به نحوی سازمان یافته‌اند که فرد را اعمّ از اینکه بهائی باشد یا نه در مسیری قرار می‌دهند که بر اثر تجربیات جامعه در راه ارائه دیدگاه نظم جهانی حضرت بهاءالله به نوع بشر تعیین می‌گردد. مفهوم حرکت در یک "مسیر" خود نشان دهنده ماهیت و هدف این دوره‌هاست زیرا مسیر دعوت به مشارکت می‌نماید، به افق‌های تازه رهنمون می‌کند، خواهان تلاش و حرکت است، سرعت‌های مختلف و گام‌های متفاوت را پذیراست و ساختار و تعریف مشخصی دارد. یک مسیر را نه فقط یک یا دو نفر بلکه افراد بی‌شماری می‌توانند بشناسند و طی کنند. مسیر متعلق به جامعه است. "گام برداشتن در یک مسیر" نیز به همان اندازه مفهومی گویا و رساست. مستلزم اراده و اختیار فردی است، به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌ها نیاز دارد، هم‌چنین خواستار بعضی خصایص و منش‌ها است، پیشروی بر اساس یک منطق را ایجاب می‌نماید ولی در صورت لزوم بررسی و کشف طرق مرتبط را نیز می‌پذیرد، در ابتدا ممکن است آسان به نظر آید ولی به مرور چالش‌انگیزتر می‌گردد. از همه مهم‌تر انسان در همراهی دیگران یک مسیر را می‌پیماید.

در حال حاضر دوره‌های متسلسل اصلی شامل هشت دوره است. ولی تعداد این دوره‌ها از قرار معلوم ممکن است نهایتاً به هجده برسد و مطالبی راجع به خدماتی در رابطه با نیازمندی‌های جامعه از قبیل هماهنگ‌سازی و اداره امور، اشتغال به اقدام اجتماعی و مشارکت در گفت‌وگوهای جامعه را در برگیرد. در طی این دوره‌های متسلسل، در حال حاضر دو مقطع وجود دارد که در آن فرد مختار است وارد یک مسیر خاصّ خدمت گردد. اولین مقطع بعد از مطالعه کتاب ۳ می‌باشد. از میان دوستانی که این کتاب را تمام می‌کنند و کلاس نسبتاً ساده‌ای را برای شاگردان کلاس اول از یک برنامه تربیت روحانی کودکان شروع می‌نمایند درصد معینی مایل خواهند بود

وقت خود را وقف این خدمت نموده به مرور دوره‌های منشعب جامع‌تری را برای تدریس شاگردان سال‌های ۲ تا ۶ بگذرانند. این بدان معنی نیست که این افراد دوره‌های متسلسل اصلی را مطالعه نخواهند کرد. در واقع دوره‌هایی که یک مسیر خاص خدمت را تشکیل می‌دهند بر این فرض تهیه شده‌اند که شرکت‌کنندگان هر یک با سرعتی متناسب با وضعیت خود دوره‌های متسلسل اصلی را نیز خواهند گذارند. کتاب ۵ که هدف آن پرورش مشوقین گروه‌های نوجوانان می‌باشد مقطع دومی است که مجموعه‌ای از دوره‌ها از آن منشعب می‌گردد.

بدون شک راه‌های دیگری در امتداد دوره‌های اصلی برای خدمت‌پدیدار خواهد شد. بعضی از آنها مانند دو موردی که در فوق به آن اشاره رفت ممکن است برای استفاده عمومی در سراسر عالم باشد ولی برخی دیگر شاید به نیازهای خاص محلی منحصر گردد. در این مورد نیز همانند دوره‌های متسلسل اصلی، محتوا و ساختار باید نتیجه تجربه جمعی مستمر در میدان عمل باشد، تجربه‌ای که اتفافی و بی‌رویه و یا حاصل سلیقه شخصی نبوده بلکه توسط مؤسسات امری هدایت می‌شود. کسب چنین تجربه‌ای مستلزم صرف قوای زیادی از بخش بسیار بزرگ‌تری از جامعه خواهد بود و در این مرحله از بسط سلسله نقشه‌های جهانی کنونی بذل توجه از طرف مؤسسه آموزشی به تهیه و تدریس دوره‌های فرعی دیگر، به جز در مواردی معدود، اقدامی عجولانه و نابهنگام خواهد بود.

هماهنگ‌سازی

رویکردی که برای ایجاد قابلیت در بالا توصیف شد به وضوح نمایان‌گر تلاشی است در جهت حصول یک پویایی و تحرک خاص در درون جمعیتی که خدمت را با تولید و انتشار دانش توأم می‌کند، موضوعی که در پیام رضوان ۲۰۱۰ به اختصار مورد بحث قرار دادیم. در اینجا چند ملاحظات عملی را در رابطه با دو مسیر تخصصی خدمت فوق‌الذکر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

با قوت گرفتن الگویی از عمل که نقشه پنج‌ساله آن را ترویج می‌هد و از طریق آن تار و پود حیات پرشور یک جامعه شکل می‌گیرد، آنچه را در محدوده جغرافیایی اتفاق می‌افتد می‌توان در هر لحظه از یکی از دو دیدگاه مورد ملاحظه قرار داد. هر دو دیدگاه از اعتبار یک‌سان برخوردارند و هر یک شیوه خاصی برای تفکر و بیان آنچه در حال وقوع است ارائه می‌دهد. از یک دیدگاه، یک فرایند آموزشی با سه مرحله متمایز به وضوح به چشم می‌خورد: مرحله اول برای کم سن و سال‌ترین اعضای جامعه، مرحله دوم برای کسانی که سنین حساس انتقالی و پرچالش حیات را می‌گذرانند و مرحله سوم برای جوانان و بزرگسالان. در این بستر از سه نیاز آموزشی می‌توان سخن گفت که هر یک با روش‌ها و مواد درسی خود متمایز است، هر یک خواهان سهمی از منابع موجود است و هر یک دارای مکانیزم‌هایی برای سیستماتیک کردن تجارب و تولید دانش بر اساس بینش‌های کسب شده در حوزه عمل مربوطه می‌باشد. بنا بر این، طبعاً سه بحث و گفتگو پیرامون اجرای برنامه آموزش روحانی کودکان، برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان و دوره‌های متسلسل اصلی شکل می‌گیرد.

از دیدگاه دیگر می‌توان در باره ادوار سه‌ماهه فعالیت که از طریق آن جامعه رشد می‌کند تأمل نمود: ترویج سریع که در نتیجه فعالیت‌های فشرده حاصل می‌شود، دوران ضروری تحکیم که در طی آن نفوس جدید از طرقی مثل شرکت در جلسات دعا، ضیافات نوزده‌روزه، ملاقات در منازل تقویت می‌گردند، و فرصت‌هایی که به تأمل و برنامه‌ریزی همه اعضا اختصاص داده می‌شود. در پرتو این بررسی، مسئله تبلیغ در میان مردم مستعد اولویت پیدا می‌کند و یافتن نفوسی که مایل به گفتگو در باره دنیای اطراف خود و مشارکت در تلاشی جمعی برای تقلیب آن باشند مورد توجه خاص قرار می‌گیرد.

به خصوص در سطح هماهنگ‌سازی چنین ایجاب می‌کند که گامی به عقب برداشته آنچه را که اساساً یک واقعیت واحد است از این دو دیدگاه ملاحظه نمود. این کار امکان تجزیه و تحلیل صحیح، ارزیابی استراتژیک، توزیع خردمندانه منابع و اجتناب از پراکندگی عمل را فراهم می‌سازد. بنا بر این در این مرحله اولیه از اجرای نقشه، بذل توجه به مسئله هماهنگ‌سازی مهم‌تر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. اگرچه عناصر اصلی یک طرح سازمان‌دهی مؤثر هم‌اکنون به خوبی معلوم شده است ولی شکلی که این طرح تحت شرایط مختلف باید به خود بگیرد نیاز به شرح و تفصیل دارد. از دارالتبلیغ بین‌المللی خواسته‌ایم که به منظور تحرک بخشیدن به تنظیم و تدوین سریع تجارب آموخته شده مجهوداتی را که در جهت هماهنگ‌سازی به خصوص در چند صد محدوده پیشرفته‌تر در سرتاسر عالم انجام شده است پی‌گیری نماید.

در این قبیل محدوده‌های جغرافیایی که نیازمندی‌های رشد در مقیاس وسیع نمایان می‌شود، باید حمایت بیشتری از هر مرحله از فرایند آموزشی که مؤسسه آموزشی آن را ترویج می‌کند به عمل آید. کار هماهنگ‌کننده باید با کمک تعداد فزاینده‌ای از افراد مجرب تقویت شود و جلسات مخصوص تبادل اطلاعات و بینش‌ها باید مرتباً و با رویکردی منظم‌تر تشکیل گردد. هم‌چنین باید هرچندگاه موقعیت‌هایی ادواری فراهم آورد تا سه هماهنگ‌کننده‌ای که از طرف مؤسسه آموزشی منصوب شده‌اند — یا در صورت لزوم گروه‌هایی از هماهنگ‌کنندگان که مسئول حلقه‌های مطالعه، گروه‌های نوجوانان و کلاس‌های کودکان هستند — با هم به بررسی توانایی تمامی فرایند آموزشی بپردازند و به نوبه خود مرتباً با لجنة تبلیغ ناحیه‌ای ملاقات نمایند. به علاوه اگر قرار است اطلاعات و هدایات لازم و کمک‌های مالی بسیار ضروری به میزان کافی به محدوده جغرافیایی برسد هیئت‌مدیره مؤسسه آموزشی بایستی به موازات فعالیت‌های فوق یک سلسله اقدامات به عمل آورد تا کارکرد مؤسسه در سطح منطقه‌ای بهبود یابد. وقتی که یک چنین طرح سنجیده‌ای برای هماهنگ‌سازی به اجرا در آید اعضای هیئت معاونت و مساعدين‌شان قادر خواهند بود همه فعالیت‌ها را حتی به نحو مؤثرتری حمایت نمایند.

در رابطه با این موضوع، یک نکته نهائی شایسته تأمل است. تقریباً تمامی چند صد محدوده جغرافیایی مورد بحث با یکی از حدود چهل جایگاه انتشار یادگیری که دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی مرکز جهانی در پاسخ به نیاز شدید به برنامه‌های نوجوانان در سرتاسر عالم تأسیس نموده در ارتباط می‌باشند. مؤسسات آموزشی که در این محدوده‌های جغرافیایی فعالیت دارند در سال گذشته از دانش حاصله از طریق این جایگاه‌ها به خصوص در

ارتباط با هماهنگ‌سازی برنامه‌ها بهره برده‌اند. بدون شک، توان‌مندی لازم برای ادامه‌ده‌ها گروه نوجوانان نیروی محرکه‌ای قوی برای پیشرفت هر یک از این محدوده‌ها گشت و کمکی قاطع به رشد متعاقب حلقه‌های مطالعه و کلاس‌های کودکان نمود. جایگاه‌های مورد حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی کمک به مؤسسات آموزشی را در حل مسائل پیچیده ناشی از اجرای برنامه‌ای برای یک گروه سنی که قوای عظیم مکنونه‌اش باید مورد تفحص مستمر باشد ادامه خواهند داد. اما انتظار ما این است که خود مؤسسات آموزشی فرایند یادگیری لازم جهت اداره نمودن تعداد زیادی از کلاس‌های کودکان و حلقه‌های مطالعه را ترویج دهند، طرحی را در سطح محدوده جغرافیایی که هماهنگ‌سازی بین سه حوزه مشخص فعالیت‌ها را تحکیم می‌بخشد پیاده نمایند و راه را برای انتقال منابع از سطح منطقه‌ای به سطح مردمی هموار سازند تا پیشروی بی‌وقفه گروه‌های عظیم شرکت‌کننده از یک مرحله فرایند آموزشی به مرحله بعدی تضمین شود و اجرای منظم و ادواری فعالیت‌ها که برای رشد منظم و سیستماتیک بسیار ضروری است تسهیل گردد.

کلاس‌های کودکان

در میان مجموعه مسائلی که هر مؤسسه آموزشی اکنون با آن رو به رو است یک مسئله از فوریت خاص برخوردار است و آن اینکه چگونه می‌توان تعداد کافی معلم برای کلاس‌های متوالی کودکان و طبعاً راهنمایانی را که بتوانند گروه‌هایی برای مطالعه دوره‌های مورد نیاز تشکیل دهند، بسیج نمود. واحدهای موجود در سه کتابی که اکنون در دسترس است هم مواد درسی برای مطالعه معلمین و هم دروسی را برای کودکان در بردارد و به مؤسسات آموزشی امکان می‌دهد که بی‌درنگ اولین سه سال یک برنامه شش‌ساله را دایر نمایند. به منظور آماده‌سازی اولین دسته معلمین برای این کلاس‌ها، مؤسسات آموزشی ممکن است ناگزیر شوند به تدابیری موقت متوسل گردند. یک طرح هماهنگ‌سازی صحیح که متناسب با نیازهای موجود در میدان عمل تدریجاً شکل می‌گیرد باید بتواند به نحوی انعطاف‌پذیر پاسخگوی احتیاجات ضروری باشد و در عین حال در درازمدت یک پارچگی کلی فرایند آموزشی را حفظ نماید.

علاوه بر تعلیم سیستماتیک معلمین برای کلاس‌های متوالی، مؤسسات آموزشی بایستی یاد بگیرند که کلاس‌هایی برای گروه‌های سنی متفاوت در دهکده‌ها و محله‌ها تشکیل دهند، برای کلاس‌های مختلف معلم تأمین کنند، محصلین را سال به سال و کلاس به کلاس جذب نموده نگاه‌دارند، و مشارکت مداوم کودکان از خانواده‌هایی با پیشینه‌های متنوع و گوناگون را تحقق بخشند و به طور خلاصه یک نظام پایدار و در حال گسترش برای آموزش کودکان تأسیس نمایند، نظامی که بتواند جوابگوی نگرانی روزافزون والدین در مورد شکل‌گیری ساختارهای اخلاقی سالم برای فرزندان‌شان بوده با افزایش منابع انسانی در جامعه متناسب باشد. این امر گرچه عظیم و مهم است ولی نسبتاً آسان می‌باشد. از مؤسسات آموزشی در سراسر عالم می‌خواهیم که به این مسئله توجهی را که به وضوح شایسته آن است مبذول دارند و به خصوص بر تشکیل اولین سه سال این برنامه، تمرکز نمایند و به خاطر داشته باشند که کیفیت تجربه آموزش و فراگیری تا حد زیادی به قابلیت‌های معلم بستگی دارد.

تذکر نکته‌ای در اینجا لازم به نظر می‌رسد. سخن گفتن از "تعلیم" معلّم برای کلاس‌های کودکان و یا مشوّق برای گروه‌های نوجوانان البته امری نادرست نیست. اما مؤسّسات آموزشی باید مراقب باشند که مبدا به تدریج تصوّر نمایند که کارشان آموزش تکنیک‌ها است و مفهوم ایجاد قابلیت را که در کانون فرایند مؤسّسه آموزشی جای دارد و مستلزم درک عمیقی از ظهور حضرت بهاءالله می‌باشد از نظر دور دارند.

مواد آموزشی

با توجه به مطالب فوق، مسئله مواد آموزشی به خصوص در رابطه با کلاس‌های کودکان و گروه‌های نوجوانان باید مورد ملاحظه قرار گیرد. در مورد کلاس‌های کودکان، در پیام رضوان ۲۰۱۰ توضیح دادیم که درس تهیه شده توسط مؤسّسه روحی محتوای اصلی یک برنامه را برای تربیت روحانی کودکان تشکیل خواهد داد که در اطراف آن عناصر فرعی می‌تواند سازمان یابد. عموماً خود معلّمین بر حسب شرایط خاص و غالباً با مشورت با هماهنگ کننده مؤسّسه آموزشی در سطح محدوده جغرافیایی در مورد اینکه آیا عناصر تکمیلی برای تقویت فرایند آموزشی برای هر کلاس لازم است یا نه، تصمیم خواهند گرفت. فرض بر این است که اگر چنین کاری مقتضی تشخیص داده شود، مواد آموزشی تکمیلی از میان مواد موجود انتخاب خواهد شد و به ندرت ایجاب خواهد کرد که استفاده از چنین موادی — چه مستقیماً از طریق قبول و استفاده مؤسّسه آموزشی و چه به طور غیر مستقیم از طریق ترویج وسیع و سیستماتیک آنها — حالت رسمی به خود گیرد.

در مورد گروه‌های نوجوانان نیز دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی رویکرد مشابهی را توصیه کرده است. محتوای اصلی برنامه شامل مجموعه‌ای از کتب درسی است که گروه‌ها مطالعه می‌کنند. از قرار معلوم در حال حاضر هفت کتاب از هجده کتاب درسی مورد نظر در دسترس است که موضوع‌های گوناگونی را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی مورد بحث قرار می‌دهد. این کتاب‌ها بخش عمده یک برنامه سه‌ساله را تشکیل می‌دهند. نه کتاب درسی دیگری بخش متمایز مطالب امری را ارائه خواهد داد و از این مجموعه دو کتاب در حال حاضر مورد استفاده می‌باشد. به مشوّقین گروه‌های نوجوانان توصیه گشته که مطالعه کتب را با فعالیت‌های هنری و پروژه‌های خدمت غنی‌تر نمایند. مانند معلّمین کلاس‌های کودکان، هماهنگ کننده مؤسّسه آموزشی در سطح محدوده جغرافیایی می‌تواند مشوّقین را در این زمینه یاری دهد. اما در اغلب موارد، این قبیل پروژه‌ها و فعالیت‌ها توسط خود نوجوانان، بر حسب شرایط و علایق خودشان و با مشورت با مشوّق گروه، انتخاب می‌گردد.

کسانی که در مقام معلّم یا مشوّق قائم به خدمت هستند باید همیشه در چنین مسائلی با حکمت و بصیرت عمل نمایند. آموزش و پرورش رشته وسیعی است و تئوری‌های آموزشی فراوانند. مطمئناً بسیاری از این تئوری‌ها مزایای قابل ملاحظه‌ای دارند ولی باید به خاطر داشت که هیچ یک عاری از فرضیاتی در باره ماهیت انسان و اجتماع نیستند. مثلاً یک فرایند آموزشی باید در کودک نسبت به استعدادها و آگاهی خود ایجاد نماید ولی از بزرگداشت نفس و از پرورش احساس خودپسندی شدیداً بپرهیزد. چه بسا مواردی که به نام ایجاد اعتماد به نفس،

نفس اماره تقویت می‌گردد. همین طور در تربیت نسل جوان، بازی مکان خود را دارد ولی کودکان و نوجوانان اغلب قابلیت خود را برای شرکت در مباحث انتزاعی — در سطحی متناسب با سن‌شان — به اثبات رسانده و از تلاش جدی برای درک و فهم مطالب حظ وافر برده‌اند. یک فرایند آموزشی که با دریایی از سرگرمی‌های فریبنده و مسحورکننده محتوای مواد آموزشی را کم مایه می‌سازد نفعی برای کودکان و نوجوانان ندارد. اطمینان داریم که معلمین و مشوقین با مطالعه دوره‌های مؤسسه آموزشی، خود را بیش از پیش برای قضاوت صحیح در انتخاب مواد و فعالیت‌های لازم — چه از میان منابع آموزشی سنتی و چه از میان انبوهی از اقلام موجود از قبیل سرود، داستان و بازی‌هایی که مطمئناً در سال‌های آینده برای نسل جوان بهائی تهیه خواهد شد — آماده و مجهز خواهند یافت.

اهل عالم را می‌توان چنین مشاهده نمود که تحت تأثیر نیروهایی که در درون و برون جامعه بهائی به وجود آمده است از جهات مختلف به هم نزدیک‌تر شده به سوی آنچه مآلاً یک تمدن جهانی خواهد بود در حرکت‌اند، تمدنی چنان شکوهمند که تصور آن امروز غیر ممکن است. با شتاب گرفتن این حرکت مرکزگرای جمعیت‌های بشری در سراسر عالم، عناصری که در هر یک از فرهنگ‌ها با تعالیم امر الهی سازگاری ندارد به تدریج زائل خواهد شد و عناصر دیگری قوت خواهد گرفت. به همین منوال، با بروز الگوهای فکر و عمل — بعضی از طریق هنر و ادب — از طرف مردمانی از هر گروه و ملت که ملهم از تعالیم حضرت بهاء‌الله هستند، عناصر فرهنگی جدیدی به مرور زمان تکامل خواهد یافت. با توجه به این ملاحظات است که این جمع از این تصمیم مؤسسه روحی که در تدوین و تنظیم دوره‌های خود، تصمیم‌گیری در باره مسائل مربوط به فعالیت هنری را به احباً در سطح محلی و آکادار کرده است استقبال می‌نماید. بنا بر این، در این مرحله و زمان که قوا و انرژی موجود باید صرف‌گسترش و ترویج کلاس‌های کودکان و گروه‌های نوجوانان گردد آنچه مورد نظر این مشتاقان است این است که تکثیر مواد آموزشی تکمیلی مربوطه به طور طبیعی صورت گیرد و ناشی از فرایند جامعه‌سازی که در دهکده‌ها و محله‌ها در حال شتاب گرفتن است باشد. با اشتیاق فراوان امیدواریم که به عنوان مثال سرودها و ترانه‌هایی جذاب به همه زبان‌ها در اطراف و اکناف عالم تهیه و تنظیم شود، سرودهایی که بتواند مفاهیم عمیق مندرج در تعالیم بهائی را در آگاهی خردسالان و نوجوانان تسری دهد. ولی اگر احبای عزیز، هرچند ناآگاهانه، از الگوهای رایج در جهان پیروی کنند که در آن به دارندگان منابع مالی اجازه داده می‌شود که دیدگاه فرهنگی خویش را بر دیگران تحمیل نمایند و مواد و محصولات خود را با سیلی از تبلیغات شدید ترویج کنند، هرگز یک چنین شکوفایی اندیشه‌های خلاق تحقق نخواهد یافت. به علاوه باید نهایت کوشش را نمود تا آموزش روحانی از خطر تجارتنی شدن مصون ماند. مؤسسه روحی خود صریحاً توصیه می‌نماید که از تکثیر محصولات و اقلامی که با علامت تجارتنی به نام این مؤسسه به بازار عرضه شود خودداری گردد. امید چنان است که دوستان کوشش مؤسسه در این راستا را ارج نهند.

در این ارتباط، تأسیس یک هیئت مشورتی بین‌المللی را با مسرت اعلام می‌داریم تا مؤسسه روحی را در نظارت بر سیستم تهیه، تولید و توزیع مواد آموزشی خود که محتوا و ساختار آن حال به نحوی وسیع از تجربیات بهائیان عالم در به کار بستن تعالیم و اصول امر مبارک در حیات بشری بهره می‌گیرد مدد دهد. این هیئت با شروع

به اجرای تدریجی وظایف خود جوابگویی مسائل مربوطه خواهد بود و تهیه و تدوین آن نوع موادّ درسی تکمیلی را که با اهداف نقشه‌های جهانی هم‌خوانی دارند پی‌گیری خواهد نمود.

*

در خاتمه لازم می‌دانیم نکته‌ای را با مؤسّسات آموزشی در سراسر جهان در میان گذاریم: باید به خاطر داشت که معلّمین کلاس‌های کودکان و مشوقین گروه نوجوانان که مسئولیت‌های زیادی برای تقویت مبانی اخلاقی جامعه به آنان واگذار می‌شود در اکثر موارد خود افرادی زیر سنّ بیست سال خواهند بود. می‌توان انتظار داشت که به نحوی فزاینده این جوان‌سالان افرادی باشند که با گذراندن برنامه‌ی توان‌دهی روحانی به نوجوانان و الهام از یک هدف نیرومند و دوجانبه یعنی پرورش استعداد‌های ذاتی خود و کمک به تقلیب جامعه به این خدمت قیام نمایند. ولی این نیز ممکن است که این افراد از میان کسانی با پیشینه‌های تحصیلی گوناگون برخیزند، از میان کسانی که در قلب خود نهایت امید را دارند که با کوشش فراوان و هماهنگ، عالم انسانی تغییر و تحوّل خواهد یافت. قطع نظر از ویژگی‌ها، همگی در این آرزو شریک خواهند بود که وقت، نیرو، استعداد و توانایی‌های خود را صرف خدمت به جوامع خویش نمایند. بسیاری از آنان چنانچه فرصتی بیابند با اشتیاق چند سال از عمر خود را وقف تربیت روحانی نسل‌های آینده خواهند نمود. بنا بر این در نسل جوان در سراسر جهان منبعی عظیم از قابلیت برای تقلیب اجتماع موجود و آماده بهره‌برداری است. هر یک از مؤسّسات آموزشی باید به ظهور رساندن این قابلیت را وظیفه مقدّس خویش شمرد.

[امضا: بیت العدل اعظم]